

شهادت سرلشکر حسن شفیعزاده



قبضه‌های غنیمتی را در قالب توپخانه‌های لشکری و گردان‌های مستقل توپخانه به سرعت سازماندهی کرد و در «عملیات رمضان»، اکثریت قریب به اتفاق توپ‌ها را علیه دشمن یعنی به‌کار برد و در ادامه، با به‌دست آوردن توپ‌های غنیمتی بیشتر، گروه‌های توپخانه را به استعداد چندین گردان شکل داد...

قبضه‌های غنیمتی را در قالب توپخانه‌های لشکری و گردان‌های مستقل توپخانه به سرعت سازماندهی کرد و در «عملیات رمضان»، اکثریت قریب به اتفاق توپ‌ها را علیه دشمن یعنی به‌کار برد و در ادامه، با به‌دست آوردن توپ‌های غنیمتی بیشتر، گروه‌های توپخانه را به استعداد چندین گردان شکل داد...

به گزارش سرویس «فرهنگ‌حماسه» ایسنا، توپخانه سپاه در سال دوم جنگ به دنبال پیروزی‌های درخشان در عملیات‌های «فتح‌المبین» و «الی بیت‌المقدس» و به دست آمدن حدود 200 قبضه توپ غنیمتی از دشمن یعنی، با تلاش افراد خلاق و دوراندیشی چون شهید «حسن تهرانی‌مقدم» و شهید «حسن شفیعزاده» بنیان‌گذاری شد. این یگان مراحل رشد و شکل‌گیری خود را در کنار توپخانه ارتش در عملیات‌های مشترک ارتش و سپاه، از جمله رمضان، مسلم‌بن‌عقیل، محرم، والفجرهای مقدماتی، 1، 2، 3 و 4 طی و از عملیات خیبر تشکیل مرکز تطبیق آتش و هدایت آتش توپخانه را به‌طورمستقل تجربه کرد.

نقش ارتش در آموزش پاسداران سپاهی واحد توپخانه

تأسیس مرکز آموزش توپخانه در اصفهان و بهره‌گیری از برادران پاسداری که دوره عالی توپخانه را در دانشکده توپخانه ارتش گذرانده بودند، سبب شد که در فاصله حدود دو ساله بین عملیات خیبر تا والفجر8، کادرهای توپخانه سپاه در گروه‌های توپخانه و توپخانه‌های لشکری در حال تشکیل، آموزش‌های لازم را ببینند.

اینک به مناسبت سالروز شهادت شهید «حسن شفیعزاده» بخش‌هایی از زندگی نامه، ابتکارات و ویژگی‌های اخلاقی این فرمانده شهید را مرور می‌کنیم.

تولد و کودکی

حسن مرداد سال ۱۳۳۶ در شهرستان تبریز متولد شد. پدر مادر او از مقلدان امام (ره) بودند به همین واسطه حسن نیز با ایشان آشنا شد. سادگی، بی‌آلایشی و گذشت او در سنین کودکی زبان‌زد همه بود. در سن ۱۲ سالگی از نعمت پدر محروم شد. چون فرزند ارشد خانواده بود با آن روحیات و مردانگی‌اش عملاً غمخوار مادر فداکار و دلسوز خود شد. با جدیت تمام و احساس مسئولیت، بیشتر از گذشته هم درس می‌خواند و هم به مادرش در اداره امور منزل کمک می‌کرد و از مساعدت به خواهر و برادرانش نیز دریغ نداشت. ضمن اینکه به ورزش، خصوصاً وزنه‌برداری علاقمند بود، در دوران تحصیل، دانش‌آموزی باوقار، محبوب، مؤدب و کوشا بود و همواره سعی می‌کرد تکالیف دینی خود را انجام دهد.

حسن پس از اخذ دیپلم به سربازی رفت و هم‌زمان با اوج‌گیری حرکت توفنده انقلاب اسلامی در سایه رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره) با روحانیون معظم در تبعید، همچون شهید «آیت‌الله مدنی» و شهید «آیت‌الله دستغیب» در تماس بود و در داخل پادگان، فعالیت‌های زیادی در راستای راهنمایی نظامیان و خنثی‌کردن تبلیغات حکومت نظامی انجام می‌داد و در همان حال به پخش پیام‌ها و اعلامیه‌های رهبر عظیم الشان انقلاب در داخل و خارج پادگان نیز می‌پرداخت.

روزی که مأمورین رژیم، به دستور فرمانده حکومت نظامی، در تبریز قصد هجوم به منزل شهید آیت‌الله مدنی(ره)، جهت دستگیری ایشان داشتند، او به همراه دوستانش نقشه مقابله با مزدوران رژیم را در مراسم عزاداری عاشورای حسینی طراحی کرده بود، که قبل از هر گونه اقدام، ضد اطلاعات از موضوع با خبر شده و آن‌ها را جهت ادامه خدمت سربازی به مرند تبعید می‌کند. ایشان پس از چندی به فرمان حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر ترک پادگان‌ها، خدمت سربازی را رها کرد و به سیل خروشان مبارزان امت اسلامی پیوست.

فعالیت‌های دوران انقلاب

او با شور وصف‌ناپذیری در روزهای سرنوشت‌ساز ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ تلاش می‌کرد و برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نبود. هنگامی که در اوج پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی درب پادگان‌ها بر روی مردم باز شد به همراه تعدادی از جوانان و دانشجویان حزب‌اللهی تبریز برای جلوگیری از افتادن سلاح‌های بیت‌المال به دست ضد انقلاب، بخشی از سلاح‌ها را جمع‌آوری کردند و گروه مسلحی را جهت دستگیری ضدانقلاب و ساواکی‌ها تشکیل داد.

ورود به سپاه و مقابله با ضد انقلاب

شفیعزاده بعدها به دنبال تشکیل سپاه، به همراه دیگر برادران، اولین هسته‌های مسلح سپاه را پی‌ریزی کرد و در سمت مسئول عملیات سپاه تبریز در سرکوبی خوانین و اشرار آذربایجان و حزب منحرف «خلق مسلمان» نقش فعال داشت. هنگامی که به همراه «شهید باکری» در سپاه ارومیه انجام وظیفه می‌کرد به‌عنوان مسئول عملیات برای ایجاد امنیت آن منطقه، در درگیری‌های متعدد برای سرکوبی گروه‌های فاسد تلاش شبانه‌روزی کرد و توانست در تشکیلات حزب منحل دموکرات نفوذ کرده و باعث متلاشی شدن آن و دستگیری و اعدام تعداد زیادی از کادرهای آنان شود.

بهترین و پر ثمرترین لحظات حضور در سپاه تبریز، روزهایی بود که در بیت شهید آیت‌الله مدنی(ره) به‌عنوان مسئول تیم حفاظت ایشان انجام وظیفه می‌کرد. در جوار آن عالم عارف بود که غنچه‌های خلوص، صداقت، ایثار و زهد شهید شفیعزاده گل

کرد و بعدها در جبهه‌های نبرد نور علیه ظلمت میوه داد.

حضور در جنگ و مسئولیت‌ها

با آغاز جنگ تحمیلی و محاصره آبادان، با یک دسته خمپاره‌انداز که تحت مسئولیت شهید باکری اداره می‌شد به جبهه‌های جنوب شتافت. حسن به همراه تعدادی دیگر از رزمندگان برای حضور در جبهه آبادان با تحمل مشقات چندین روزه از طریق ماهشهر و به وسیله لنج از راه خورموسی خود را به این شهر رساند و در ایستگاه هفت مستقر شد. بعدها با فرمان حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر شکستن حصر آبادان، نقش تاریخی خود را در شکستن محاصره آبادان و دفع متجاوزان و اشغالگران بعثی ایفا کرد.

شهید شفیع‌زاده پس از عملیات «طریق‌القدس» به‌عنوان رئیس ستاد تیپ کربلا که تازه تشکیل شده بود انجام وظیفه کرد و در شکل‌گیری، انسجام و فرماندهی آن نقش اساسی داشت.

در عملیات پیروزمندانه «فتح‌المبین» معاون تیپ‌المهدی(عج) بود و خاطره رشادت‌ها و جانفشانی‌های او در اذهان مسئولین جنگ و هم‌زمانش هرگز از یاد نمی‌رود.

راه‌اندازی فرماندهی توپخانه سپاه

پس از این عملیات، با اندیشه بلندی که داشت و تجربیاتی که کسب کرده بود، متوجه شد با گسترش سازمان رزمی مردمی، برای انجام عملیات بزرگ، نیاز به تشکیلات پشتیبانی آتشی به نام توپخانه می‌باشد. با هم‌فکری تنی چند از فرماندهان، ضمن پی‌ریزی و سازماندهی اولین آتشبارهای توپخانه، مسئولیت هماهنگی پشتیبانی آتش در قرارگاه فتح در عملیات «الی بیت‌المقدس» را به‌عهده گرفت و به خوبی از عهده این وظیفه بزرگ برآمد. او با برخورداری از قدرت ابتکار، خلاقیت و آینده‌نگری، همیشه طرح‌های دراز مدت که مبتنی بر واقع‌بینی در کارها و برنامه‌ها بود ارائه می‌داد، ضمن آنکه بر مسأله آموزش نیروهای نیز تأکید فراوان داشت.

بعدها با تلاش بی‌وقفه و شبانه‌روزی خود قبضه‌های غنیمتی را در قالب توپخانه‌های لشکری و گردان‌های مستقل توپخانه به سرعت سازماندهی کرد و در «عملیات رمضان»، اکثریت قریب به اتفاق توپ‌ها را علیه دشمن بعثی به‌کار برد و در ادامه، با به‌دست آوردن توپ‌های غنیمتی بیشتر، گروه‌های توپخانه را به استعداد چندین گردان شکل داد. این گروه‌ها بازوهای قوی برای فرماندهی قوای رزمی و پشتیبانی محکم برای رزمندگان بودند.

در نبردهای خیبر، وافجر ۸، کربلای ۱، کربلای ۴، کربلای ۵ که سپاه پاسداران به لحاظ عملیاتی مسئولیت مستقلاً داشت، پشتیبانی آتش کل منطقه عملیات، با رهبری و هدایت ایشان انجام گرفت. اوج هنرنمایی و شکوفایی خلاقیت او در عملیات والفجر ۸ تجلی یافت. آتش پر حجم و متمرکزی که با برتری کامل، علیه دشمن اجرا کرد. به اعتراف فرماندهان اسیر عراقی، در طول جنگ کسی به خود ندیده بود؛ زیرا قسمت اعظم یگان‌های دشمن، قبل از رسیدن به خط مقدم و درگیری با رزمندگان اسلام، منهدم می‌شد.

سردار رحیم صفوی فرمانده وقت کل سپاه در پیامی با اشاره به نقش شفیع‌زاده گفته است: «سیمای او تجلی اراده و مقاومت و تلاش و پیکارش همواره الهام‌بخش رزمندگان بود. عزیزی که ثمره سخت‌کوشی‌های او در جبهه‌ها همیشه مشهود بود. با تقویت آتش سنگین پیکارگران جبهه نور، که صف دشمنان را از هم می‌گسست، رؤیای خام قادسیه را به کابوسی وحشتناک بدل می‌ساخت، اوج قدرت آتش توپخانه را جهانیان در نبردهای والفجر ۸ و کربلای ۵ و کربلای ۸ به چشم دیدند و زبان به اعتراف آن گشودند، آن‌جا که شهید عزیز ما و هم‌زمانش با آتش سهمگین، لشکریان دشمن را مضمحل و ضایعات جبران‌ناپذیری بر خصم زبون وارد نمودند.»

شفیع‌زاده ضمن شرکت در تمامی صحنه‌های عملیاتی، مسئولیت فرماندهی توپخانه و طرح‌ریزی و هدایت آتش پشتیبانی را در قرارگاه‌های مختلف را به‌عهده داشت و آخرین مسئولیت او فرماندهی توپخانه نیروی زمینی سپاه و قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) بود.

از راست شهید حسن شفیع‌زاده، شهید تهرانی مقدم، ناشناس، سردار حاجی‌زاده

ویژگی‌های اخلاقی

شفیع‌زاده فردی صبور، متواضع، گشاده‌رو و بشاش بود. در تمام امور، این‌ثار و گذشت بسیاری از خود نشان می‌داد و در هر کاری که پیش می‌آمد ابتدا خود پیش‌دق‌م می‌شد. زمان عملیات و در زمانی که آتش دشمن در خط مقدم شدت پیدا می‌کرد، در خط اول حضور می‌یافت و آخرین وضعیت منطقه را برای برنامه‌ریزی صحیح و هدایت دقیق آتش، بررسی می‌کرد. در تصمیم‌گیری‌ها از نظرات دیگران سود می‌جست و در برخوردها و قضاوت عدالت را رعایت می‌کرد. در روابط اجتماعی، با دیگران رفتاری پخته و پسندیده داشت و در هر محیطی که حضور پیدا می‌کرد همگان را تحت‌تأثیر قرار می‌داد.

این فرمانده در انجام واجبات و ترک محرمات کوشا بود. به مستحبات اهمیت می‌داد. اهل نماز شب بود. کم سخن می‌گفت و با کردارش دیگران را به عمل صالح دعوت می‌کرد. از تشریفات و تجملات به شدت دوری می‌جست و سادگی و بی‌آلایشی را مشی خود قرار داده بود. در ایام پیروزی انقلاب اسلامی شب و روز نمی‌شناخت و بعد از آن، در طول جنگ تحمیلی، مخلصانه انجام وظیفه می‌کرد و هرگز راحت در بستر نخفت.

برادر این فرمانده نقل می‌کند: «دوبار او را در جبهه دیدم. بار اول زمانی بود که برای دیدنش به یادگان شهید حبیب‌اللهی اهواز رفتم و سراغ او را گرفتم. دوستانش خندیدند و گفتند اگر او را پیدا کردی سلام ما را هم به او برسان. مرتبه دوم در قرارگاه کربلا بدون هیچ‌گونه تکلفی در کنار سایر نیروها در آن گرمای سوزان جنوب در سنگر خفته بود، در حالی که روزنامه رویش انداخته

بود. می‌گفتند شب نخوابیده و خیلی خسته است. او مدام در حال سرکشی از یگان‌ها و هماهنگی آتش پشتیبانی رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ بود و معتقد بود هر چه قبل از عملیات تلاش کند به اذن الهی تضمینی برای موفقیت لشکریان جبهه حق خواهد بود.»

نحوه شهادت

حسن شفیع‌زاده روز هشتم اردیبهشت‌ماه سال 1366 در منطقه عملیاتی «کربلای ۱۰» در شمال غرب (منطقه عمومی ماووت) درحالی که عازم خط مقدم جبهه بود، خودروی وی مورد اصابت ترکش گلوله توپ دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید. فرازی از وصیت‌نامه شهید شفیع‌زاده

خدایا من به جبهه نبرد حق علیه باطل آمده‌ام تا جان خود را بفروشم. امیدوارم خریدار جان من تو باشی، نه کسی دیگر. ...دلم می‌خواهد که در آخرین لحظه‌های زندگیم، بدنم و جسمم آغشته به خون در راه تو باشد، نه راه دیگر.

...سلام بر امت شهیدپرور و نمونه که با حضور همیشگی خود در همه صحنه‌های حق علیه همیشگی خود در همه صحنه‌های حق علیه باطل، اسلام و امام را یاری کرده و قدرت نفس کشیدن و خواب راحت را از دشمن سلب کرده است.